

بررسی و نقد کتاب فرهنگ توصیفی آواشناسی و واج‌شناسی

مریم نورنمایی*

چکیده

هدف از نگارش این مقاله بررسی و نقد فرهنگ توصیفی دوزبانه فارسی به انگلیسی آواشناسی و واج‌شناسی نوشته گلناز مدرسی قوامی است که در ۱۳۹۴ ش نشر علمی آن را به چاپ رسانید. این فرهنگ تا حدود زیادی نیاز علمی مخاطبان را در حوزه آشنایی با نظریه‌های غربی، از جمله مکتب واج‌شناسی پراگ، واج‌شناسی زایشی معیار، واج‌شناسی طبیعی، واج‌شناسی خودواحد، واج‌شناسی وزنی، و ... که در آواشناسی و واج‌شناسی مطرح‌اند، برآورده می‌سازد. داده‌ها در نگارش این فرهنگ به شیوه‌های سنتی گردآوری شده‌اند و نویسنده از شیوه‌های نوین پیکره‌ای استفاده نکرده است. این فرهنگ از اصول کلی فرهنگ‌نویسی در کلان‌ساختار و خردساختار به درستی پیروی نمی‌کند و در مواردی چون نداشتن راه‌نمای تلفظی، اطلاعات کلی مدخل‌ها، متن توصیفی، شیوه ارجاع‌دهی درون‌متنی، ذکر مثال‌ها، و رعایت اصول نگارشی و ویرایشی نیازمند بازنگری و رفع کاستی‌هاست. هم‌چنین، لازم است که نویسنده در استفاده از منابع فرهنگ جدیدتر و به‌روزشده را نیز مدنظر قرار دهد و اگر نویسنده بکوشد در ویراست‌های بعدی واژه‌ها و اصطلاحاتی را که در آثار زبان‌شناسان و دانشمندان اسلامی به کار می‌رفته است به این فرهنگ بیفزاید، اصطلاحات علمی و تاریخی آواشناسی و واج‌شناسی در زبان فارسی نیز به‌طور جامع ثبت و ضبط می‌شود و حوزه کاربرد این فرهنگ گسترده‌تر خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ تخصصی، آواشناسی، واج‌شناسی، کلان‌ساختار، خردساختار، کاربرد فرهنگ.

* دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، گروه زبان‌شناسی، دانشگاه الزهراء، ma.namaee@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۶

۱. مقدمه

انتظار جامعه علمی از پدیدآورندگان فرهنگ‌ها در نگارش فرهنگ‌های تخصصی به زبان فارسی، در جایگاه زبان مبدأ، رعایت اصول اولیه دستور زبان و دستورخط فارسی و سپس، رعایت اصول کلی فرهنگ‌نویسی (lexicography) است. در دهه‌های گذشته فرهنگ‌نویسی از کسوت رشته‌ای خاص و نیازمند دانش کافی به اصول آن درآمده است (قطره ۱۳۸۶: ۷۱). با وجود این که فرهنگ‌نویسی رشته‌ای مستقل و نیازمند بهره‌مندی از دانش کافی در این حوزه است (Zgusta 1971; Bejoint 2000; Landau 2001; Atkins and Rundell 2008; Comeau 2009)، اما در ایران در زمینه فرهنگ‌های تخصصی نویسندگان دیگر رشته‌های علمی نیز مهارت خود را در این امر محک زده‌اند و منابعی را پدید آورده‌اند که هرچند از نظر محتوای علمی معتبر و شایان توجه‌اند، ولی از نظر حفظ اصول فرهنگ‌نویسی و نگارش و دستور زبان فارسی نیازمند بازبینی و توجه صاحب‌نظران این عرصه هستند.

هدف از نگارش این مقاله بررسی و نقد فرهنگ توصیفی آواشناسی و واج‌شناسی از مجموعه فرهنگ‌نامه‌های چندجلدی زبان‌شناسی است تا از این طریق، کاربران آن را متوجه مزیت‌های استفاده از این فرهنگ کند و پیش‌نهادهایی را برای رفع برخی از کاستی‌های این اثر ارائه کند، با این امید که پدیدآورندگان در ویراست‌های بعدی آن‌ها را رفع کنند.

این فرهنگ دهمین جلد از مجموعه فرهنگ‌نامه‌های دوازده‌جلدی زبان‌شناسی است که نشر علمی از ۱۳۹۲ ش اقدام به چاپ آن‌ها کرده است. همه فرهنگ‌های این مجموعه توصیفی (descriptive) هستند و پدیدآورندگان آن‌ها از استادان زبان‌شناسی در ایران‌اند. فرهنگ‌های فارسی در این رشته نیاز مبرم کاربران آن است، ولی فرهنگ‌نویسی شاخه‌ای تخصصی است و نگارش فرهنگ‌ها نیاز به آشنایی و تخصص در این حوزه دارد (هاشمی میناباد ۱۳۷۰: ۱۸). جدای از ارزش علمی این آثار و گام مؤثری که پدیدآورندگان این رشته در انتقال و انتشار اصطلاحات متداول و معرفی شاخه‌های مختلف زبان‌شناسی برداشته‌اند، در هریک از این مجلدها اصول فرهنگ‌نویسی به‌خوبی رعایت نشده است. نگاهی به نقدهای گذشته و نیز بررسی فرهنگ دهم نشان می‌دهد که پدیدآورندگان این آثار در تدوین و نگارش فرهنگ‌های این مجموعه کمی سلیقه‌ای عمل کرده‌اند و یک‌دستی و یک‌پارچگی لازم در کل فرهنگ‌های این مجموعه به چشم نمی‌خورد؛ هرچند ناشر همه آن‌ها یکی است. آنچه امروز در بازار چاپ و نشر کتاب‌های تخصصی و به‌خصوص

فرهنگ‌های تخصصی (specialized dictionaries) مشاهده می‌شود، نداشتن یک‌پارچگی در ارائه آثار مشابه است و در این نمونه خاص که نشر علمی عهده‌دار چاپ تمامی مجلدهای این مجموعه شده است، نظارتی دقیق‌تر لازم است تا به جز طرح روی جلد کتاب‌ها، اصول نگارشی و ویرایشی در آن‌ها نیز به‌طور یک‌سان رعایت شود.

از کل دوازده جلد فرهنگ‌نامه‌های توصیفی این مجموعه شش اثر قبلاً در تازه‌های نشر ویژه‌نامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ فرهنگ‌نویسی، بررسی و نقد شده‌اند که عبارت‌اند از «فرهنگ توصیفی زبان‌شناسی اجتماعی»، ج ۳، سپیده عبدالکریمی (۱۳۹۲)؛ «فرهنگ توصیفی مکاتب زبان‌شناسی»، ج ۵، محمد راسخ‌مهند و دیگران (۱۳۹۳)؛ «فرهنگ توصیفی نحو»، ج ۹، محمد راسخ‌مهند و دیگران (۱۳۹۳)؛ «فرهنگ جامع مطالعات ترجمه»، ج ۱، فرزانه فرحزاد (۱۳۹۴)؛ «فرهنگ توصیفی زبان‌شناسی شناختی»، ج ۸، سپیده عبدالکریمی (۱۳۹۳)، و «فرهنگ توصیفی گفتمان و کاربردشناسی»، ج ۴، فردوس آقاگل‌زاده (۱۳۹۲).^۱ علت ترتیب شماره‌گذاری جلد‌ها نیز مشخص نیست و گویا ترتیب سال انتشار در شماره‌گذاری آن‌ها بی‌اهمیت بوده است. مثلاً، جلد اول این مجموعه همراه با جلد دهم در ۱۳۹۴ ش منتشر شده است!

نویسندگان فرهنگ‌ها باید به این نکته مهم توجه کنند که فرهنگ‌نویسی در جهان امروز نیازمند صرف وقت کافی، استفاده از شیوه جدید گردآوری داده‌ها، و مدخل‌گزینی (excerption) براساس پیکره‌های زبانی است و بهره‌گیری از دانش فرهنگ‌نویسان به‌همراه مشورت با کارشناسان علمی و بازبینی مکرر مطالب با کمک ویراستاران خبره در این حوزه کاری گروهی به‌شمار می‌رود (قطره ۱۳۸۶: ۷۱-۷۲). در مواجهه با فرهنگ‌های معتبر علمی دنیا^۲ مشاهده می‌شود که رعایت اصول دستورزبان و خط از اساسی‌ترین مهارت‌های لازم در پدیدآوردن فرهنگ‌هاست به‌ویژه فرهنگ‌هایی که زبان مبدأ آن‌ها زبان مادری نویسنده نیز باشد.

لازم است که انجام‌دادن چنین کارهای خطیر علمی‌ای از شکل فعلی درآید و کار گروهی با استفاده از شیوه‌های به‌روزشده جمع‌آوری داده‌ها و نظارت و بازبینی مکرر اثر پیش از انتشار آن به اصلی کلی به‌منظور نگارش فرهنگ‌های تخصصی تبدیل شود.

جا دارد که پدیدآورندگان جلد‌های بعدی یا مجموعه‌های مشابه پیش از اقدام به چاپ به این نکته‌ها نیز توجه کنند و از تنوع و پراکندگی در آماده‌سازی این قبیل آثار و بروز کاستی‌های احتمالی قبل از چاپ جلوگیری کنند.

۲. نقد شکلی اثر

۱.۲ معرفی کلی و کلان‌ساختار اثر

کتاب فرهنگ توصیفی آواشناسی و واج‌شناسی فرهنگی فارسی به انگلیسی در ۳۴۶ صفحه است که به توصیف حدوداً ۱۱۵۰ اصطلاح متداول رشته‌های آواشناسی (phonetics) و واج‌شناسی (phonology) می‌پردازد. از نظر شکل ظاهری، این کتاب در قطع رقعی چاپ شده است و طرح رو و پشت جلد مانند دیگر فرهنگ‌های مجموعه فرهنگ‌نامه‌های زبان‌شناسی ساده و مناسب است. اطلاعات درج‌شده روی جلد استاندارد است و در پشت جلد نیز توضیح کوتاهی درباره موضوع کتاب و اهمیت آن آورده شده است. از نظر تعداد صفحه‌های آغازین، این کتاب به ترتیب صفحه‌های بسم‌الله و صفحه سفید ندارد. در شیوه معیار نام و مشخصات ناشر معمولاً در صفحه اول مشخصات اثر ذکر نمی‌شود.

در صفحه شناس نامه تقریباً تمامی اطلاعات لازم درج شده‌اند به جز سال تولد نویسنده و عنوان انگلیسی اثر (که به نظر می‌رسد برای کتاب‌های تخصصی مرجع ضروری باشد). نوع این فرهنگ از نظر دوزبانه بودن (bilingual) نیز ذکر نشده است و احیاناً خواننده باید از ترتیب الفبایی آن متوجه شود که این اثر فارسی به انگلیسی است!

قلم عنوان کتاب در این صفحه بیش از حد معمول بزرگ است و با اندازه قلم نام نویسنده و رتبه دانشگاهی او تناسب ندارد. استفاده از خط تیره در متن فارسی تقریباً منسوخ شده است و چه بهتر که به جای آن از ویرگول استفاده شود. اسم‌های خاص به‌ویژه نام اشخاص، نهادها، و دانشگاه‌ها حتی اگر با معیار املا فارسی مطابقت نداشته باشند، باید عیناً همان‌ها درج شوند و ویرایش آن‌ها درست نیست (باقری ۱۳۹۴: ۵)؛ مثلاً، دانشگاه علامه طباطبائی با «ئ» نوشته می‌شود حتی اگر استفاده از «ی» به جای آن صحیح‌تر باشد که این نکته در این اثر رعایت نشده است. قلم اعداد در صفحه شناس‌نامه فارسی است، اما در متن کتاب عددها با قلم عربی درج شده‌اند و همین‌طور شماره صفحه‌ها.

۲.۲ خردساختار

در این اثر واژه‌های مهم و کاربردی آواشناسی مثل واژه‌های پایه در آواشناسی تولیدی (articulatory phonetics)، آواشناسی آکوستیک (acoustic phonetics)، آواشناسی شنیداری

(auditory phonetics)، و ادراک گفتار (speech perception) و ... و نیز اصطلاحات واج‌شناسی نظریه‌های غربی از جمله اصطلاحات متداول در مکتب‌های مختلف واج‌شناسی مثل مکتب پراگ (Prague School of Phonology)، واج‌شناسی زایشی معیار (Standard Generative Phonology)، واج‌شناسی طبیعی (Natural Phonology)، واج‌شناسی خودواحد (Autosegmental Phonology)، واج‌شناسی وزنی (Metrical Phonology)، نظریه بهینگی (Optimality Theory)، و ... به‌خوبی به خوانندگان معرفی شده‌اند و اطلاعات علمی مرتبط در ذیل هر مدخل (entry) آورده شده است. متهمی در شیوه تنظیم مدخل‌ها شاید بعضی نکته‌ها از نظر نویسنده محترم دور مانده است که در این‌جا به‌طور مختصر به آن‌ها اشاره می‌شود.

- اطلاعات مندرج در هر مدخل: به‌جز معادل‌های ترجمه‌ای و توصیف معنایی مدخل‌ها، هیچ نوع اطلاعات دیگری مانند تلفظ (pronunciation)، طبقه واژگانی (word class)، و اطلاعات ریشه‌شناختی (etymological information) ارائه نشده است.
- حرکت‌گذاری به‌صورت راه‌نمای تلفظی برای مدخل‌ها در زبان فارسی یا شیوه علمی‌تر و معمول‌تر زبان‌شناسان یعنی واج‌نویسی (phonemic transcription) می‌توانست به خوانش درست بعضی واژه‌ها مخصوصاً اسم‌های خاص کمک شایانی کند.
- نویسنده در راه‌نمای تلفظ به این نکته اشاره کرده است که به‌علت حجم بسیار زیاد اصطلاحات تخصصی در زمینه آواشناسی از آوردن برخی از این اصطلاحات به‌منظور پرهیز از افزایش حجم فرهنگ خودداری شده است. چرا؟! ولی در متن فرهنگ دقیقاً مشخص نیست کدام‌یک از اصطلاحات تخصصی در فرهنگ نیامده‌اند. گاه با ارجاع‌های کور (blind reference) نیز مواجه می‌شویم؛ مثلاً، اصطلاحاتی که در متن توصیفی با قلم توپر نوشته شده‌اند و تعبیر مخاطب آن است که باید مدخلی جداگانه نیز داشته باشند، اما برای بعضی از مدخل‌ها این انتظار برآورده نمی‌شود. مثل «سرعت گفتار» در «آهنگ» (مدرسی قوامی ۱۳۹۴: ۱۷) و «تکواژ مجاور» زیر «ابدال» (همان: ۱۹). یا در زیر مدخل «آغاز پیچیده ممنوع» به «پیچیده ممنوع» نیز ارجاع داده شده است، ولی چنین مدخلی در فرهنگ وجود ندارد (همان: ۱۲). بهتر بود نویسنده میان مدخل‌هایی که در فرهنگ ذکر نشده‌اند، تمایزی قائل می‌شد. همین اتفاق برای «کام‌نگار» نیز افتاده است. در ذیل مدخل «آواشناسی ابزاری» واژه

- «کام‌نگار» با قلم توپُر نوشته شده است، اما در حرف «ک» مدخلی برای آن وجود ندارد (همان: ۱۴). اگر نویسنده فهرستی از واژه‌های بدون مدخل را در پیوستی جداگانه یا به صورت یادداشت در انتهای کتاب می‌آورد و در متن نیز به آن‌ها اشاره می‌کند، خواننده را از ارجاع‌های کور نجات می‌داد.
- برخی از مشکلات کار حروف‌چین به تنظیم مدخل‌ها نیز راه پیدا کرده است. «کاراندام‌شناسی» در ذیل یک مدخل (آواشناسی تجربی) با قلم عادی نوشته شده و در ذیل مدخلی دیگر (آواشناسی تولیدی) با قلم توپُر، در صورتی که خود مدخلی جداگانه دارد. مسلماً، چنین ایرادهایی معمولاً متوجه حروف‌چینی یا ویرایش نهایی اثر است تا شخص نویسنده.
- تقریباً بیش‌تر مشکلات خردساختار این فرهنگ به شیوه‌های ناقص ارجاع‌دهی آن‌ها مربوط می‌شود، مثل ارجاع‌ندادن به جدول الفبای آوایی بین‌المللی (The International Phonetic Alphabet) در انتهای کتاب. گویی این جدول بیش‌تر جنبه نمادین داشته است تا کاربردی.
- برخی ارجاع‌های متن توصیفی مدخل‌ها مشکل دارند. نویسنده در پایان توصیف «اندام‌های تولید» به «اندام‌های گفتار» ارجاع نداده است و بهتر بود ارجاع خود را به جای پایان کلام، پیش‌از جمله آخر قرار می‌داد تا این سوءتعبیر برای مخاطب ایجاد نشود که برای اطلاع بیش‌تر درباره «اندام فعال» و «اندام منفعل» باید به «اندام‌های گفتار» مراجعه کند (همان: ۳۲).
- در برخی مدخل‌ها نیز مثال‌ها کلی هستند، در صورتی که نویسنده می‌توانست با آوردن مثال‌های عینی به درک بهتر مخاطب کمک کند. مثلاً، در زیر مدخل «آهنگ» انواع نقش‌های این مشخصه نام برده شده‌اند بدون این‌که از هر کدام مثالی عینی از زبان فارسی یا گویش‌های ایرانی بیاورد (همان: ۱۷).
- مدخل «نمایه‌شناسی» نیاز به شکلی داشت که در آن مشخصه‌های زبان اشاره به تصویر کشیده شود (همان: ۲۳۸).
- صورت املائی برخی مدخل‌ها با صورت املائی آن‌ها در متن توصیفی متفاوت‌اند؛ مانند «واژواشناسی» که وقتی مدخل هست با خط تیره (واژ-واشناسی) (همان: ۲۵۷) و در ذیل مدخل «ابرو» بدون خط تیره (واژواشناسی) (همان: ۱۹) نوشته شده است.

- اصل یک‌دستی نیز در آوردن معادل انگلیسی در یکی از «محدودیت‌های وفاداری» رعایت نشده است. یکی از این محدودیت‌ها علامت اختصاری دارد، ولی محدودیت بعدی علامت اختصاری ندارد (همان: ۲۰۸).
- در انتهای متن توصیفی «حروف نواخت» جای خالی ارجاع به جدول الفبای آوایی نیز به چشم می‌خورد (همان: ۱۰۱).

۳. نقد محتوایی اثر

۱.۳ بررسی محتوای کیفی

نویسنده در پیش‌گفتار به خوبی درباره موضوع فرهنگ و سرفصل‌های موضوعی مهم آن بحث کرده است و متذکر شده که اصطلاحات این فرهنگ از منابع غربی گردآوری شده‌اند. اگر نویسنده بتواند در چاپ‌های بعدی این اثر اصطلاحات به‌کاررفته را در آثار دانشمندان اسلامی در آواشناسی و واج‌شناسی نیز اضافه کند، فرهنگی غنی‌تر پدید خواهد آمد که با توجه به حجم گسترده آثار عربی‌زبان و پیوند ناگسستنی آن‌ها با زبان فارسی مخاطبان بیش‌تری را به خود اختصاص خواهد داد. مثلاً، ابوعلی سینا از جمله دانشمندان اسلامی بود که در حوزه آواشناسی تولیدی مطالعاتی درباره توصیف و طبقه‌بندی آواهای گفتار زبان عربی و فارسی انجام داده بود (آقاگل‌زاده ۱۳۸۳: ۳-۴). هم‌چنین، برخی زبان‌شناسان معاصر ایرانی نیز پژوهش‌هایی درباره آواشناسی، تجوید، و قرآن انجام داده‌اند (زندى ۱۳۷۱؛ خدابخشی ۱۳۸۶؛ ستوده‌نیا ۱۳۷۷). اصطلاحات تاریخی آواشناسی ایرانی و اسلامی را نیز می‌توان در کنار اصطلاحات معاصر در توضیح مدخل‌های فرعی این اثر گنجانید.

از ویژگی‌های برجسته این فرهنگ دربرگرفتن واژه‌های مهم شاخه‌های مختلف آواشناسی و واج‌شناسی است. مدخل فرهنگ‌های تخصصی را می‌توان براساس موضوع نیز تنظیم کرد یا سلسله‌مراتب خاصی غیر از ترتیب الفبایی برای آن قائل شد؛ اما چون شاخه‌های مختلف آواشناسی و نظریه‌های متنوع واج‌شناسی هرکدام به موازات یک‌دیگر قرار دارند و شاید هر مخاطبی به مطالعه همه آن‌ها علاقه‌مند نباشد، ترتیب الفبایی به‌درستی انتخاب شده است. اما نکته‌ای که در بعضی فرهنگ‌های تخصصی کم‌تر به آن توجه می‌شود، آوردن واژه‌های تکراری در تنظیم مدخل‌هاست، مثل آوردن واژه‌های «نظریه»، «اصل»، «قاعد»، و ...؛ چون برگرداندن معنای این اصطلاحات از زبان انگلیسی به فارسی صورت می‌گیرد، واژه‌های تکراری در فارسی اول می‌آیند، درحالی‌که در زبان انگلیسی

واژه‌های تکراری در آخر عبارت می‌آیند و به همین علت، مدخل این واژه‌ها در زبان انگلیسی در جای درست خود به کار می‌روند، اما در زبان فارسی همه در بخش نظریه‌ها یا اصل‌ها یا قاعده‌ها یا ... می‌آیند. راه‌کاری که برخی فرهنگ‌نویسان برای رفع این مشکل اندیشیده‌اند این است که در تنظیم مدخل‌هایی که بخشی از اصطلاحات آن‌ها تکراری است، هسته گروه اسمی را مدخل قرار می‌دهند و واژه‌های تکراری را بعد از گذاشتن ویرگول در پی آن می‌آورند (مرزبان و معروف ۱۳۸۰). مثلاً، در این فرهنگ نویسنده می‌توانست در تنظیم مدخل‌هایی با واژه‌های تکراری از این روش استفاده کند و دلیل آن را در قسمت راهنمای فرهنگ توضیح دهد.

در بخش راهنمای استفاده از فرهنگ جای خالی راهنمای تلفظی به هم‌راه شاهد‌های (evidence) آوایی از درون متن فرهنگ احساس می‌شود؛ با وجود این که نویسنده جدول الفبای آوایی بین‌المللی (International Phonetic Alphabet Chart) را در پایان کتاب به عنوان راهنمای تلفظی آورده است، خواننده هنوز در خوانش بعضی قسمت‌ها دچار مشکل می‌شود. چون زبان مبدأ در این فرهنگ زبان فارسی است، نویسنده می‌بایست جدول آوایی را به زبان فارسی می‌آورد و شاهد‌های آوایی آن را از زبان معیار و در صورت نیاز از گویش‌های ایرانی انتخاب می‌کرد و برای هر نشانه‌ای که در هیچ‌یک از این زبان‌ها یافت نمی‌شد، شاهدی از زبان‌های غربی ذکر می‌کرد. هم‌چنین، این جدول از بخش‌های متعددی تشکیل شده است؛ مثلاً، جدول هم‌خوان‌ها و واژه‌ها و واحدهای زبرزنجیری از یک‌دیگر جدا شده‌اند. بهتر بود، نویسنده هریک از این جدول‌ها را به فارسی می‌آورد و اصطلاحات درج‌شده در هریک را به فارسی برمی‌گرداند و جدول زبان اصلی و جدول فارسی را در دو صفحه روبه‌رو قرار می‌داد و از این طریق، می‌توانست در متن فرهنگ و واژه‌نامه به اصطلاحات مندرج در جدول مربوط نیز ارجاع دهد. اما مخاطب با شکل فعلی این جدول باید برای پیدا کردن هر نشانه درون متن در متنی کاملاً انگلیسی به دنبال آن بگردد و توضیح مربوط به آن را نیز به زبان انگلیسی بیاموزد و هربار برای یافتن اصطلاحات آن به واژه‌نامه مراجعه کند!

مرسوم است که عنوان نمودارها و جدول‌ها و تصویرهای درون متن فرهنگ در زیر یا بالای آن جدای از عنوان مدخلشان آورده شود. این مسئله در این اثر رعایت نشده است، به خصوص در مواقعی که جدول یا تصویر در ابتدای صفحه بعد آمده است؛ مثل تصاویر صفحه‌های ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۳۱، ۲۳۶، ۲۴۴، و ۲۵۵. مخاطب برای دانستن موضوع آن‌ها باید یک صفحه به عقب بازگردد. بهتر است که شکل‌ها با فاصله مناسبی از متن قرار گیرند و ترجیحاً هر دو در یک صفحه باشند (منصوری ۱۳۹۲: ۶۲).

نویسنده از برخی نشانه‌های آوایی در متن برای ذکر مثال‌ها استفاده کرده است که در جدول الفبای آوانگار وجود ندارند و از نظر آواشناسی نیز اقتصادی نیستند. مثلاً، در مدخل «انسایشی» از نشانه‌های «/dʒ/» و «/tʃ/» استفاده شده است و قید کرده‌اند که این نشانه‌ها را از جدول الفبای بین‌المللی استخراج کرده‌اند (مدرسی قوامی ۱۳۹۴: ۳۳)؛ ولی نه به این جدول در پایان فرهنگ ارجاع داده‌اند و نه در این جدول اثری از این نشانه‌ها مشاهده می‌شود! لازم بود، نشانه‌های موجود در متن با نشانه‌های جدول منطبق می‌شدند تا نقص برنگرداندن جدول به فارسی، حداقل با استفاده از نشانه‌های درست، مرتفع می‌شد. هم‌چنین، این مسئله برای مدخل «پس‌لثوی» و نشانه‌های به‌کاررفته برای آن نیز مشاهده می‌شود (همان: ۵۸).

در این اثر ابزارهای متعددی در تحلیل و اندازه‌گیری صوت معرفی شده‌اند، اما نویسنده از معرفی نرم‌افزارهای مهم و پرکاربرد آکوستیکی مانند نرم‌افزار پرت (PRAAT) بازمانده است.

عنوان فهرست منابع در پایان فرهنگ نیز با قلمی بسیار بزرگ‌تر از آنچه متناسب است، درج شده است که بزرگی آن چشم را آزار می‌دهد. منابع به روش ای. پی. ای (APA) تنظیم شده‌اند و اندازه قلم آن‌ها نیز چشم را می‌آزارد. به‌نظر می‌رسد، عنوان منابع با قلمی بزرگ‌تر از اطلاعات دیگر درج شده باشند. منابع چه فارسی و چه انگلیسی عمدتاً منابع قدیمی هستند و منابع جدید و به‌روز کم‌تر در میان آن‌ها دیده می‌شود. شاید نویسنده در هنگام فهرست‌کردن منابع اولین سال چاپ آن‌ها را در نظر گرفته است. یکی از منابع مهم آواشناسی فارسی، یعنی ساخت آوایی زبان اثر مهدی مشکوة‌الدینی (۱۳۶۴) در فهرست منابع این کتاب از قلم افتاده است. هم‌چنین، اثر واج‌شناسی: رویکردهای قاعده‌بنیاد نوشته عالیه کردزعفرانلو کامبوزیا (۱۳۸۵) نیز از این فهرست جا مانده است. تمرکز این کتاب که بر نظریه‌های واج‌شناسی غربی است به‌هم‌راه حجم گسترده‌ای از مثال‌ها از زبان‌های ایرانی می‌توانست الگوی خوبی برای ذکر مثال‌های واج‌شناسی باشد و بر ارزش علمی این اثر نیز بیفزاید.

اصل یک‌دستی در تایپ منابع انگلیسی نیز رعایت نشده است؛ مثلاً، در عنوان بسیاری از مقاله‌ها نیمی از کلمه‌ها با حرف بزرگ و نیم دیگر با حروف کوچک شروع می‌شوند. در شیوه جدید APA همه قسمت‌های عنوان با حروف کوچک آغاز می‌شوند، اما ظاهراً شیوه‌های قدیمی‌تر این روش مدنظر نویسنده بوده است، ولی در نگارش آن دقت لازم لحاظ نشده است. هم‌چنین، در نشان‌دادن شماره صفحه‌های مقالات در بعضی جاها از ویرگول و در بعضی دیگر از دونقطه استفاده شده است. این مسئله به سال انتشار آثار نیز

کشیده شده‌اند. مثلاً، پرائتز سال اثر برای «International Phonetic Association» فراموش شده است. اولین منبع انگلیسی نیز در این فهرست پیوند وب‌گاه است که به اشتباه در بخش آثار چاپی قرار گرفته یا این‌که نام نویسنده مطلب از قلم افتاده است.

واژه‌نامه اصطلاحات نیز به ترتیب حروف الفبای انگلیسی (از راست به چپ) در پایان فرهنگ بعد از فهرست منابع آمده است. نویسنده می‌توانست در پیوستی جداگانه نام اشخاص را نیز ذکر کند و خوانندگان را به‌طور اجمالی با فهرستی از نظریه‌پردازان غربی در شاخه‌های آواشناسی و واج‌شناسی آشنا سازد.

در این بخش نویسنده اصطلاحاتی را که بیش از یک معادل معنایی داشته‌اند، به‌صورت مجزا فهرست کرده و برای هر اصطلاح انگلیسی مدخلی جداگانه، ولی با همان معادل معنایی آورده است؛ مثل پرده‌های صوتی (تارآواها) که در انگلیسی سه معادل vocal folds و vocal cords و vocal band دارد. این سه معادل در واژه‌نامه به‌طور مجزا ذکر شده‌اند (مدرسی قوامی ۱۳۹۴: ۳۴۲).

تنها نکته‌ای که در بخش واژه‌نامه به‌چشم نگارنده آمد، از قلم افتادن اصطلاح «محدودیت‌های درون‌داد-برون‌داد» بعد از «محدودیت‌های برون‌داد-برون‌داد» است که در فرهنگ مدخلی جداگانه دارد.

۲.۳ غلط‌های املائی و ملاحظات نگارشی

آنچه در کل این کتاب از لحاظ رعایت اصول نگارشی و ویرایشی مشاهده می‌شود، به‌قرار زیر است:

- رعایت نکردن اصل یک‌دستی در حین نگارش یا حروف‌چینی اثر؛
- در جای‌جای کتاب فاصله‌ها و نیم‌فاصله‌ها رعایت نشده‌اند. در برخی جمله‌ها یا در آغاز آن‌ها فاصله‌ها به‌خوبی رعایت نشده است؛ مثلاً، در توصیف مدخل «ارتعاش پرده‌های صوت» رعایت نکردن فاصله‌ها فراوان به‌چشم می‌آید (همان: ۲۲-۲۳). یا در مثالی دیگر، در ذیل مدخل «ادراک دوگانه» چنین آمده است: «... صدای "جیگ" مانند غیرزبانی...» که اگر گیومه انگلیسی را نادیده بگیریم، جیگ و مانند در این‌جا واژه‌های نیم‌جدا هستند و ترجیحاً هردو باید داخل گیومه فارسی («جیگ‌مانند») در متن قرار می‌گرفتند تا از خوانش بد این عبارت جلوگیری می‌شد.

- گاه رعایت نکردن فاصله‌ها و نیم‌فاصله‌ها در یک واژه یا گروه به ابهام ساختاری نیز منجر می‌شود و خواننده را با این مشکل مواجه می‌سازد که آیا او با یک غلط املائی روبه‌روست یا با جاافتادن یک حرف؟! مثلاً، در ذیل مدخل «اصل واجی» جمله‌ای به این عبارت ختم شده است: «... معنادار نند.» در این‌جا خواننده نمی‌داند عبارت صحیح کدام است: «معنا دارند» یا «معنادارانند» (همان: ۲۵). در ذیل مدخل «آواشناسی تجربی»، «عصب‌شناختی» (همان: ۱۴) چسبیده و در «ادراک گفتار» نیم‌جدا (عصب‌شناختی) (همان: ۲۱) آمده است. هم‌چنین، رعایت نکردن نیم‌فاصله‌ها در خود مدخل‌ها نیز دیده می‌شود مانند «سلسله مراتب» به‌جای «سلسله‌مراتب» (همان: ۵۱).
- همزه پایانی که در نگارش امروزی فارسی به‌صورت «هی» یا «ه» نوشته می‌شود، از اصل یک‌دستی در این اثر پیروی نمی‌کند. چنان‌که در برخی قسمت‌ها این همزه با صورت دوم درج شده است و در قسمت‌های دیگر از قلم افتاده است.
- تکلیف حرف اضافه «به» در این اثر مشخص نیست. در جاهایی که باید به‌صورت نیم‌فاصله درج شود، با فاصله کامل درج شده و در جاهایی دیگر شرط نیم‌فاصله‌دار بودن رعایت شده است.
- درج عددهای درون متن فرهنگ و شماره صفحات همه با قلم عربی صورت گرفته‌اند؛ حال آن‌که اعداد در صفحه‌های آغازین کتاب با قلم فارسی نوشته شده‌اند.
- استفاده از نشانه‌های سجاوندی طبق اصول نگارشی زبان انگلیسی: بیش‌تر این نشانه‌ها در متن فرهنگ در جای مناسب خود در زبان فارسی به‌کار نرفته‌اند یا شکل آن‌ها فارسی نیست، مثل گیومه. در این اثر در متن فارسی کتاب از گیومه انگلیسی (") استفاده شده است.
- گاهی چنین به‌نظر می‌رسد که نویسنده نشانه‌های سجاوندی زبان انگلیسی را بیش‌تر رعایت کرده است تا نشانه‌های سجاوندی زبان فارسی! مثلاً، در بعضی جاها جمله‌های مرکب فارسی را با نقطه از یک‌دیگر جدا کرده است، درحالی‌که جمله بعد را با حرف ربط ادامه می‌دهد.
- معمولاً در زبان فارسی بین دو گروه فعلی متوالی از نشانه ویرگول استفاده می‌شود. از این نشانه در متن اثر به‌درستی استفاده نشده و به‌کارگیری آن کمی

با اصول نگارشی فارسی متفاوت است. مثلاً، در بین جمله‌هایی که در فارسی از نقطه‌ویرگول استفاده می‌شود و مرسوم‌تر هم هست، از ویرگول استفاده شده است.

- آوردن دو نقطه‌ویرگول در دو جمله متوالی در زبان فارسی درست نیست (اصل واجی: ۲۵). توالی دو فعل بدون درج ویرگول بین آن‌ها نیز بسیار دیده می‌شود؛ مثلاً، در «اصل مرز اجباری»: «... در آن‌ها از توالی نواخت‌های یک‌سان مانند (HHL) اجتناب می‌شود بازمی‌گردد» (مدرسی قوامی ۱۳۹۴: ۲۵). نکته‌ای دیگر درباره همین جمله این است که چرا HHL را درون پرانتز گذاشته‌اند؛ درحالی‌که جزیی از اطلاعات اصلی جمله است.

- چند غلط املائی در این اثر عبارت‌اند از:

- نوشتن واژه «آن‌ها» به صورت چسبیده که در فارسی معیار امروز صورت نیم‌جدای آن پذیرفته شده است.

- نگارش گروه‌های فعلی نظیر «عبارت‌اند از، متفاوت‌اند، زبان‌اند، در تناوب‌اند و...» به صورت نادرست «عبارت‌ند از، متفاوتند، زبانند، در تناوبند (!) و...».

- «تر» یا «ترین» نیز با نیم‌فاصله از کلمه پیش از خود نوشته می‌شوند که در این اثر تقریباً در بیش‌تر جاها به صورت چسبیده آمده است.

- در زیر مدخل «اقتصاد» واژه «مسئله» به اشتباه «مسأله» نوشته شده است.

- در آوانگاری‌ها نیز ناراستی‌هایی مشاهده می‌شود؛

- در زیر مدخل «آغاز تهی» واژه «آب» را بدون هم‌خوان چاک‌نایی آغازین واج‌نویسی کرده‌اند؛ در صورتی‌که وجود همزه در آغاز هجا در فارسی اثبات شده است (حقوق‌شناس ۱۳۷۰؛ ثمره ۱۳۷۸). در نتیجه، در توصیف نحوه هجابندی و تک‌واژ «لرز» و «ان» فرایند حذف هم‌خوان چاک‌نایی از قلم افتاده است و فقط فرایند پیوند دو هجا ذکر شده است؛ اما در زیر مدخل «ارضاء محدودیت»، همزه آغازین در واج‌نویسی واژه «آب» در توصیف مدخل لحاظ شده است.

- آوردن همزه در واژه‌های مختوم به «ا» نیز امروزه تقریباً در فارسی منسوخ شده است و آوردن «ی» در زمان گرفتن کسره اضافه در بسیاری از واژه‌ها بهتر است. مانند «ارضای محدودیت» به جای «ارضاء محدودیت» (مدرسی قوامی ۱۳۹۴: ۲۳).

- بعضی جمله‌ها نیز ویرایش زبانی لازم دارند، هرچند اندک. چه بهتر که در کتاب‌های مرجع به زبان فارسی، پدیدآورندگان از اصول نگارشی زبان فارسی پیروی کنند تا خوانندگان آثار علمی نیز با به‌کارگیری زبان فارسی در قالب زبان علم آشنا شوند. به‌خصوص در رشته‌هایی مانند زبان‌شناسی که نویسندگان بی‌شک با آن فراوان سروکار دارند، تسلط و آگاهی به اصول نگارشی فارسی امری بدیهی می‌نماید. اما در مواجهه با چنین کتاب‌هایی مشاهده می‌کنیم نویسنده آشنایی چندانی با این اصول و قواعد ندارد یا پختگی محتوای علمی اثر را به‌راستی زبان آن ترجیح داده است. حتی ممکن است در بعضی جاها غلط‌های تایپی کوچک درستی جمله‌ها را زیر سؤال ببرد.
- در توصیف مدخل «آواشناسی شاخصه‌ای» جمله سوم (در رویکرد شاخصه‌ای که ... تعامل دارند تا زنجیرهای از آواهایی را ...) فقط به‌علت از قلم‌افتادن «ی» در انتهای واژه «زنجیرهای» جمله دارای بدفهمی می‌شود (همان: ۱۵).
- نکته شایان توجهی که در این اثر فراوان به‌چشم می‌خورد این است که توصیف بیش‌تر مدخل‌ها با جمله‌هایی آغاز می‌شوند که نهاد ندارند. ظاهراً، نویسنده مدخل را نهاد جمله بعد از آن فرض کرده است. این کار به ساخت دستوری جمله فارسی لطمه می‌زند و آن را فاقد نهاد نشان می‌دهد؛ درحالی‌که جمله در زبان فارسی حتماً با نهاد آغاز می‌شود (ناتل خانلری ۱۳۸۰: ۱۰۵؛ رحیمیان ۱۳۸۱: ۲۱). بدین ترتیب، نویسنده با این کار از عبارت‌ها به‌جای جمله استفاده کرده با این تفاوت که در پایان آن‌ها نقطه گذاشته است. مثلاً، «اثر صدا» [پدیده‌ای است] برای نمایش ... «یا در «ارتعاش» که «پدیده مکانیکی نوسان حول یک نقطه ثابت». این جمله نیز فعل ندارد، اما به نقطه ختم شده است.
- استفاده نابه‌جا از «که» نیز گاه مشاهده می‌شود. در «اصل آغاز بیشینه» یک جمله مانده به‌آخر: «... تقطیع می‌شود، گرچه که اصل بیشینه... را ایجاد می‌کند.» حذف «که» در این جا درک جمله را تسریع می‌کند.
- آوردن «یک» در زبان فارسی پیش از اسم فقط در معنای عددی آن صحیح است (باقری ۱۳۹۳: ۲۴). در این فرهنگ «یک»‌های زیادی مشاهده می‌شوند که با گرت‌برداری از زبان انگلیسی به فارسی راه یافته‌اند؛ مانند «بار نقشی: میزان مشارکت یک تقابل واجی در ایجاد تقابل معنایی در یک زبان.» (مدرسی قوامی ۱۳۹۴: ۳۷)

- اوج تخطی از قواعد دستوری زبان فارسی در برخی مثال‌ها در متن توصیفی مدخل‌ها نیز دیده می‌شود. مثلاً، در ذیل مدخل «اصلی» تک‌واژه‌های جمع «ات» و «ون» نیز جزو تک‌واژه‌های جمع فارسی تلقی شده‌اند؛ حال آن‌که می‌دانیم این‌ها تک‌واژه‌های جمع عربی‌اند که وارد زبان فارسی شده‌اند؛ ولی فارسی نیستند (ناتل‌خانلری ۱۳۸۰: ۵۴-۵۵). چنان‌چه نگاه نویسنده در این‌جا از منظر زبان‌شناسی توصیفی بوده است، باید متذکر می‌شد که این تک‌واژه‌ها، تک‌واژه‌های جمع زبان عربی هستند که در فارسی نیز در برخی واژه‌ها استفاده می‌شوند. حتی نویسنده می‌توانست این مسئله را به صورت یادداشتی در پاورقی یا داخل پرانتز در متن توضیح دهد.

۳.۳ دشواری‌های استفاده از این فرهنگ

به‌طور کلی، استفاده از این فرهنگ برای مخاطبان باتوجه‌به راهنمای استفاده از آن در ابتدای کتاب بسیار راحت است و مخاطب جز در موارد معدودی با دشواری مواجه نمی‌شود:

- فقدان راهنمای تلفظ به‌هم‌راه شاهدهای آوایی از متن فرهنگ؛
- فقدان جدول الفبای آوایی بین‌المللی به فارسی؛
- استفاده مکرر از واژه‌نامه برای درک مفاهیم جدول الفبای آوایی بین‌المللی؛
- تطابق‌نداشتن نشانه‌های آوایی با نشانه‌های جدول الفبای آوایی بین‌المللی؛
- ارجاع‌های کور؛
- ارجاع‌دهی نامناسب (به‌خصوص هنگامی که مثال‌ها به جدول الفبای آوایی بین‌المللی مربوط می‌شوند)؛
- قرارنگرفتن بعضی جدول‌ها و شکل‌ها با مدخل‌ها در یک صفحه؛
- تمایز‌نداشتن اصطلاحاتی که در فرهنگ نیامده‌اند با اصطلاحاتی که مدخل شده‌اند؛
- ارائه اطلاعات ناکافی در بعضی از متن‌های توصیفی.

فقدان راهنمای تلفظی در این فرهنگ احساس می‌شود. راهنمای تلفظی همان جدول آوایی بین‌المللی است که در صفحه پایانی ذکر شده است؛ اما بهتر بود این جدول در زیر توصیف مدخل «الفبای آوایی بین‌المللی» (مدرسی قوامی ۱۳۹۴: ۲۹-۳۰) درج می‌شد و

راه‌نمای تلفظی فرهنگ براساس متن فارسی با ذکر شاهد‌های آوایی از درون متن فرهنگ به فارسی برگردانده می‌شد و اصل جدول به زبان انگلیسی به‌عنوان جدول زبان اصلی در انتهای اثر درج می‌گردید. اما نویسنده راه‌نمای تلفظی را به جدولی ارجاع می‌دهد که خود نیاز به توضیح و تفصیل دارد. در برخی جاها نیز درون متن نشانه‌هایی از همین جدول آورده شده است بدون این‌که به همان نشانه در جدول الفبای آوایی بین‌المللی ارجاع دهد، مثل «افزایش پلکانی» (همان: ۲۸).

هم‌چنین، نشانه‌هایی در متن به کار رفته‌اند که برای مخاطب تازه‌کار یا ناآشنا به آن مبحث خوانش آن‌ها دشوار می‌نماید و خواننده برای درست خواندن آن‌ها به منابع دیگری نیاز دارد. یکی از این نشانه‌ها ساختمان هجایی زبان عربی است که آن را به صورت CaCaCa نشان می‌دهد، اما نویسنده در این‌جا مخاطب را هم‌سطح دانش و تسلط خود فرض می‌کند و توضیحی برای نحوه خوانش آن ارائه نمی‌دهد. گویی خواننده باید از پیش از این مسئله آگاه باشد! ممکن است این سؤال برای مخاطب به وجود بیاید که «a» در این ساختمان نشانه چیست؟ یا این‌که چرا برای ساختمان هجایی زبان عربی از الگوی «CV» استفاده نشده است؟ اما خواننده نمی‌تواند پاسخ سؤال‌های خود را در این اثر پیدا کند.

۴.۳ روش جمع‌آوری و گزینش مدخل‌ها

در فرهنگ‌نویسی امروزی استفاده از پیکره‌های زبانی در بخش جمع‌آوری و گزینش مدخل‌ها بسیار متداول است. ولی در این اثر اشاره‌ای به این مسئله نشده و احتمالاً، نویسنده در انجام این کار از روش سنتی بهره برده است؛ درحالی‌که اکثر منابع قدیمی هستند و نویسنده می‌توانست از چاپ‌های جدیدتر این آثار نام ببرد و بعضی منابع جدیدتر نیز ظاهراً نادیده گرفته شده‌اند.

گزینش مدخل‌ها، همان‌طور که در بخش راه‌نما ذکر شده است، از میان اصطلاحات پرکاربرد شاخه‌های مختلف آواشناسی و واج‌شناسی صورت گرفته است.

مثال‌هایی که در توصیف مدخل‌ها آورده شده‌اند غالباً از زبان‌های فارسی معیار و عامیانه، انگلیسی و عربی و فرانسه آورده شده‌اند؛ حال آن‌که تنوع گویش‌های ایرانی به نویسنده این امکان را می‌داد که مثال‌های خود را از گستره وسیع گویش‌ها و لهجه‌های ایرانی ذکر کند. معلوم نیست چرا نویسنده از این امکان صرف‌نظر کرده است؟

۴. نتیجه‌گیری

بی‌شک، نگارش فرهنگ‌های تخصصی در رشته زبان‌شناسی از نیازهای مبرم کاربران این رشته کم‌تر شناخته شده است. فرهنگ توصیفی آواشناسی و واج‌شناسی از جمله فرهنگ‌های تخصصی این رشته است که به زبان فارسی تنظیم شده و برطرف‌کننده نیازهای علمی کاربران علاقه‌مند به حوزه‌های آواشناسی و واج‌شناسی است. منتهی نویسنده با محدود کردن کار خود به جمع‌آوری داده‌ها از منابع غربی، بخش عمده‌ای از اطلاعات آوایی و واجی زبان فارسی را که در قرون گذشته به زبان عربی و فارسی نگاشته شده بودند، رها کرده و مخاطبان خود را در انتظار مجموعه‌ای دیگر در همین حوزه، ولی با رویکردی جامع‌تر قرار داده است.

در این فرهنگ توصیفی مشکلاتی در تنظیم مدخل‌ها و شیوه‌ارجاعات به چشم می‌خورد و نشان می‌دهد که نویسنده فرهنگ در تنظیم مدخل‌ها و به‌خصوص نحوه ارجاع‌دهی به جدول‌ها و شکل‌ها تاحدی سلیقه‌ای عمل کرده و کاربران را در بخش ارجاعات به مدخل‌ها یا جدول‌ها به‌درستی راهنمایی نکرده است. به روش جمع‌آوری داده‌های فرهنگ در پیش‌گفتار و راهنما اشاره‌ای نشده است و به نظر می‌رسد که داده‌ها به روش سنتی گردآوری شده باشند. اصول کلی فرهنگ‌نویسی در کلان‌ساختار و خردساختار به‌درستی رعایت نشده است و در مواردی چون اطلاعات کلی مدخل‌ها، متن توصیفی، شیوه‌ارجاع‌دهی درون‌متنی، ذکر مثال‌ها، و رعایت اصول نگارشی و ویرایشی نیازمند بازنگری کلی است. به‌علاوه، نداشتن راهنمای تلفظی در فرهنگی با موضوع آواشناسی و واج‌شناسی از ضعف‌های بارز این اثر به‌شمار می‌آید. فهرست اعلام و اختصارات، معرفی مراکز آموزشی و پژوهشی فعال، ذکر انجمن‌های علمی آواشناسی و واج‌شناسی، و هم‌چنین، ذکر نرم‌افزارهای تخصصی جدید در این شاخه‌ها می‌توانست بر اعتبار علمی اثر بیفزاید. امید است، پدیدآورندگان این فرهنگ در رفع کاستی‌های نگارشی و ویرایشی موجود با توجه به مواردی که در متن این مقاله ذکر شد، به ویرایش مجدد این اثر بپردازند.

پی‌نوشت‌ها

۱. نویسندگان این نقدها به ترتیبی که در این جا ذکر شده است، عبارت‌اند از: حاجی‌زاده ۱۳۹۴: ۲۵۵-۲۷۷؛ جعفری ۱۳۹۴: ۲۵۳-۲۵۴؛ مسگرخویی ۱۳۹۴: ۲۶۷-۲۶۹؛ حاجی‌زاده ۱۳۹۴: ۲۵۵-۲۵۴؛ مسگرخویی ۱۳۹۴: ۲۶۶-۲۶۷؛ صاحبی ۱۳۹۴: ۲۶۲-۲۶۵.

۲. از جمله این فرهنگ‌ها می‌توان به این نمونه‌ها اشاره کرد:

Dorland 2008; Crystal 1994; Longman 2010; Crystal 2008.

کتاب‌نامه

- آفاگل‌زاده، فردوس (۱۳۹۲)، فرهنگ توصیفی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی، تهران: علمی.
- باقری، محمدمهدی (۱۳۹۳)، درس‌نامه کارگاه ویرایش و درست‌نویسی، تهران: مؤسسه ویراستاران حرفه‌ای پارس.
- ثمره، یدالله (۱۳۷۸)، آواشناسی زبان فارسی: آواها و ساخت آوایی هجا، ویراسته رضا نیلی‌پور و امید طیب‌زاده، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- جعفری، زهرا (۱۳۹۴)، «تازه‌های نشر: نقد فرهنگ توصیفی مکاتب زبان‌شناسی»، ویژه‌نامه نامه فرهنگستان؛ فرهنگ‌نویسی، ش ۱۰، پیاپی ۱۰.
- حاجی‌زاده، معصومه (۱۳۹۴)، «تازه‌های نشر: نقد فرهنگ توصیفی زبان‌شناسی اجتماعی»، ویژه‌نامه نامه فرهنگستان؛ فرهنگ‌نویسی، ش ۱۰، پیاپی ۱۰.
- حاجی‌زاده، معصومه (۱۳۹۴)، «تازه‌های نشر: نقد فرهنگ جامع مطالعات ترجمه» ویژه‌نامه نامه فرهنگستان؛ فرهنگ‌نویسی، ش ۱۰، پیاپی ۱۰.
- حق‌شناس، علی محمد (۱۳۹۰)، مقالات ادبی و زبان‌شناختی: نقش دوگانه همزه در ساخت آوایی زبان فارسی، تهران: نیلوفر.
- خدابخشی، مجید (۱۳۸۶)، تجویذ: توصیفی در چهارچوب واج‌شناسی زایشی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- راسخ‌مهند، محمد و دیگران (۱۳۹۳ الف)، فرهنگ توصیفی مکاتب زبان‌شناسی، تهران: علمی.
- راسخ‌مهند، محمد و دیگران (۱۳۹۳ ب)، فرهنگ توصیفی نحو، تهران: علمی.
- رحیمیان، جلال (۱۳۸۱)، دستور زبان فارسی: صورت، نقش و معنا، ویراستار جلال رحیمیان، شیراز: دانشگاه شیراز.
- زند، بهمن (۱۳۷۱)، درآمدی بر آواشناسی زبان عربی و تجویذ قرآن، مشهد: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ستوده‌نیا، محمدرضا (۱۳۷۷)، بررسی تطبیقی میان علم تجویذ و آواشناسی، تهران: رایزن.
- صاحبی، سیدمحمد (۱۳۹۴)، «تازه‌های نشر: نقد فرهنگ توصیفی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی»، ویژه‌نامه نامه فرهنگستان؛ فرهنگ‌نویسی، ش ۱۰، پیاپی ۱۰.
- عبدالکریمی، سپیده (۱۳۹۲)، فرهنگ توصیفی زبان‌شناسی اجتماعی، تهران: علمی.
- عبدالکریمی، سپیده (۱۳۹۳)، فرهنگ توصیفی زبان‌شناسی شناختی، تهران: علمی.

- فرحزاد، فرزانه و افسانه محمدی شاهرخ (۱۳۹۴)، فرهنگ جامع مطالعات ترجمه، تهران: علمی.
- قطره، فریبا (۱۳۸۶)، «نقش زبان‌شناسی در فرهنگ‌نویسی امروز»، ویژه‌نامه نامه فرهنگستان؛ فرهنگ‌نویسی، س ۱، ش ۱.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه (۱۳۹۲)، *واچ‌شناسی: رویکردهای قاعده‌بنیاد*، تهران: سمت.
- مدرسی قوامی، گلناز (۱۳۹۴)، فرهنگ توصیفی آواشناسی و واج‌شناسی، تهران: علمی.
- مرزبان، پرویز و حبیب معروف (۱۳۸۰)، فرهنگ مصور هنرهای تجسمی (معماری، بیکره‌سازی، نقاشی)، تهران: سروش.
- مسگرخویی، مریم (۱۳۹۴)، «تازه‌های نشر: نقد فرهنگ توصیفی زبان‌شناسی شناختی»، ویژه‌نامه نامه فرهنگستان؛ فرهنگ‌نویسی، ش ۱۰، پیاپی ۱۰.
- مسگرخویی، مریم (۱۳۹۴)، «تازه‌های نشر: نقد فرهنگ توصیفی نحو»، ویژه‌نامه نامه فرهنگستان؛ فرهنگ‌نویسی، ش ۱۰، پیاپی ۱۰.
- منصوری، مهرزاد (۱۳۹۲)، «مبانی و شرایط استفاده از تصویر در فرهنگ (تحلیل فرهنگ فارسی معین و آکسفورد)»، ویژه‌نامه نامه فرهنگستان؛ فرهنگ‌نویسی، ش ۷.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۸۰)، *دستور زبان فارسی*، تهران: توس.
- هاشمی میناباد، حسن (۱۳۷۰)، «بلیشوی فرهنگ‌نویسی: پیرامون دو فرهنگ لغات جدیدالانتشار»، *ادبستان فرهنگ و هنر*، ش ۲۱.

- Atkins, S. and M. Rundell (2008), *The Oxford Guide to Practical Lexicography*, Oxford University Press.
- Comeau, S. (2009), "Sharing the Knowledge of Lexicographers: Methodology for the Extraction of Lexicographic Abilities, University of Montréal", *The Proceedings of the 4th International Conference on Meaning-Text Theory*, 2009, Canada.
- Crystal, D. (1994), *An Encyclopedia Dictionary of Language and Languages*, USA: Penguin.
- Crystal, D. (2008), *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*, 6th Edition, US: Blackwell Publishing.
- Dorland, W. A. N. (2008), *Dorland's Pocket Medical Dictionary*, 28th Edition, Philadelphia: Elsevier Saunders.
- Landau, S. (2001), *Dictionaries: The Art and Craft of Lexicography*, Cambridge University Press.
- Richards, C. J. and A. W. Schmidt (2010), *Longman Dictionary of Language Teaching and Applied linguistics*, 4th Edition, UK: Great Britain.
- Zgusta, L. (1971), "Manual of Lexicography", *Language*, vol. 51, no. 1.